



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



مرکز اطلاعات علمی جهان و منطقه
Scientific Information Database

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science



ESJI
www.ESJIndex.org

Eurasian
Scientific
Journal
Index



Academic
Resource
Index
ResearchBib



Academia.edu
share research



سال انتشار	۱۴۰۳	شماره انتشار	۱۸	دوره انتشار	۶	صفحات	۱-۱۷
------------	------	--------------	----	-------------	---	-------	------

مطالعه استقلال قضایی در سه کشور ایران، لبنان و هند با رویکردی تطبیقی

خانم نجمه آئینه حیدری

پژوهشگر دوره دکتری حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

قوه قضائیه بخشی از ساختار سیاسی - دموکراتیک هر کشوری است و قوه قضائیه مستقل شرط ضروری یک نظام دموکراتیک پویا و استقلال آن برای اجرای عدالت عادلانه بسیار مهم است، نقش اصلی این نهاد حمایت از حاکمیت قانون و تضمین برتری قانون اساسی است. برای اینکه بتوان همه این کارها را انجام داد، لازم است که قوه قضائیه فارغ از هرگونه فشار سیاسی باشد تنها یک قوه قضائیه بی طرف و مستقل است که می تواند به عنوان سنگری برای حمایت از حقوق افراد قرار گیرد و حتی بدون ترس و لطف عدالت را اجرا کند، برای حاکمیت قانون، استقلال قضایی از ضروریات اساسی است در این غیر این صورت نتیجه چندان حاصل نمی شود. استقلال قوه قضائیه صرفاً به معنای ایجاد نهادی مستقل و فارغ از کنترل و نفوذ قوه مجریه و مقننه نیست استقلال قوه قضائیه این است که قضات باید بتوانند بر اساس قانون و بدون تأثیر هیچ عامل دیگری در مورد اختلاف خود تصمیم بگیرند.

واژگان کلیدی: استقلال قضایی، تفکیک قوا، استقلال قاضی، تشکیلات قضایی، حاکمیت قانون.

طبقه بندی: JEL فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



A study of judicial independence in the three countries of Iran, Lebanon and India with a comparative approach

Abstract

The judiciary is a part of the political-democratic structure of any country and an independent judiciary is a necessary condition of a dynamic democratic system and its independence is very important for the implementation of fair justice, the main role of this institution is to support the rule of law and guarantee the supremacy of the constitution. In order to be able to do all these things, it is necessary that the judiciary is free from any political pressure. Only an impartial and independent judiciary can be placed as a bastion to protect the rights of individuals and even execute justice without fear or favour. However, for the rule of law, judicial independence is a basic necessity, otherwise, not much results will be achieved. The independence of the judiciary does not simply mean the creation of an independent institution free from the control and influence of the executive and legislative branches. The independence of the judiciary is that judges should be able to decide on their disputes based on the law and without the influence of any other factor.

Keyword: Judicial independence, separation of powers, judge independence, judicial organization, rule of law



متن مقاله

دیکتاتوری فردی یا گروهی نمی دهد. برای اینکه بتوان همه این کارها را انجام داد، لازم است که قوه قضاییه فارغ از هرگونه فشار سیاسی باشد (Arora, ۲۰۲۱: ۷۱۴).

آنچه در ادامه مورد بحث قرار می گیرد استقلال قضایی در سه کشور آسیایی ایران، هند و لبنان در یک نگاه تطبیقی به چه صورت است به منظور پاسخ به این پرسش، میبایست در ابتدا قوانین مرتبط با استقلال قضایی را در ایران را بررسی گردد. و علاوه بر مقررات وضع شده، نحوه اجرای مقرراتی که به منظور رعایت استقلال دستگاه قضایی وضع گردیده اند، را مورد مطالعه قرار داد؛ به عنوان نمونه نحوه گزینش قضات شایسته و باکفایت در مرحله اول و در مراحل بعدی آن، چگونگی ارتقاء و نصب و عزلهای قضات بر اساس اصول شایسته سالاری و یا میزان تأمین استقلال مالی دستگاه قضایی و تخصیص منابع مالی کافی برای این دستگاه عظیم و مهم در بودجه عمومی کشور و از این قبیل. در نوشتار پیش رو مباحث در خصوص استقلال در دو بخش استقلال تشکیلاتی و استقلال قاضی مطرح خواهد شد. استقلال تشکیلاتی دستگاه قضایی که خود شامل استقلال قوه قضاییه از دیگر قوا و همچنین استقلال مالی آن است. از سوی دیگر استقلال و بیطرفی قضات که مربوط به عدم دخالت مقامات در رسیدگی به پرونده های قضایی و همینطور عدم تمایل قلبی خود قاضی نسبت به یکی از دو طرف دعواست.

۱- استقلال تشکیلاتی قوه قضاییه

استقلال تشکیلاتی قضایی پیش از هر مسئله دیگری مبتنی بر نظام تفکیک قواست. درحقیقت تفکیک قوا به معنای تفکیک وظایف اصلی و تخصصی حکومتی و سپردن هر یک به قوه ای مستقل و جداگانه می باشد. یکی از مهمترین وظایف حکومتی حل و فصل اختلافات بر اساس قوانین می باشد که به منظور ایفای هرچه بهتر این وظیفه، قوه قضاییه به صورت

در طول تاریخ نظریه پردازان و حقوقدانان همواره جایگاه بسیار مهم و حساسی برای دستگاه قضایی قائل بوده اند. بدین مفهوم که علاوه بر شناسایی قوه قضاییه بعنوان قوه ای مستقل در کنار دیگر قوا، معتقد بودند این دستگاه بایستی از چنان احترام و استقلالی در مقابل هر مقام و دستگاهی برخوردار شود تا از استفاده تمامی سوءها و اعمال نفوذها جلوگیری شود، استقلال قضایی در معنای اولیه خود، آزادی و استقلال دستگاه قضایی از دیگر نهادهای حکومتی است؛ به بیانی دیگر در پی شناساندن قوه قضاییه به عنوان یک قوه مستقل و همتراز با قوه مجریه و مقننه و دارای اختیار اداره امور اجرایی درون سازمانی خود، بدون مداخله ناروا از ناحیه سایر قواست (سلمانی، ۱۳۹۲: ۱۸۱)، استقلال قوه قضائیه سنگ بنای هر دموکراسی است و این موضوع در قلب هر کشور دموکراتیکی در حال پیشرفت است (Kothari, ۲۰۲۴, ۶۹۳۵). ایده قوه قضاییه مستقل را باید دستاورد تفکیک قوای سه گانه منتسکیوی فرانسوی دانست که بعدها پدران قانون اساسی آمریکا بسیار تحت تأثیر نظریه او قرار گرفتند و آنها متقاعد شده اند که اگر محدودیتی بر استقلال قوه قضائیه گذاشته شود، ممکن است حقوق و آزادی های مردم به خطر بیفتد (Abhinav, ۲۰۱۰, ۳۸). در هر جامعه ای، اختلافات بین افراد، بین گروه ها و بین افراد یا گروه ها و دولت ناگزیر است. تمام این اختلافات باید توسط یک نهاد مستقل مطابق با اصل حاکمیت قانون حل و فصل شود. این ایده حاکمیت قانون حاکی از آن است که همه افراد - ثروتمند و فقیر، مرد یا زن، بازیگران پشت صحنه و روی صحنه - مشمول یک قانون هستند. نقش اصلی قوه قضاییه حمایت از حاکمیت قانون و تضمین برتری قانون است. از حقوق افراد محافظت می کند، اختلافات را مطابق قانون حل و فصل می کند و تضمین می کند که دموکراسی جای خود را به



ایران صلاحیت عام برای رسیدگی به دعاوی حقوقی و کیفری دارد یا خیر؟ اندکی تأمل میتوان به نهاد بحث برانگیزی به نام دادگاه ویژه روحانیت رسید. وجود این تشکیلات غیرمنطقی از چند جهت به اصول حقوق عمومی خدشه وارد نموده و در حقیقت نقض اصول حقوق اساسی است. از سویی میتوان تشکیل این دادگاه را برخلاف اصول قانون اساسی دانست که به موجب اصل یکصد و پنجاه و نهم قانون اساسی تشکیل دادگاه فقط به موجب قانون است، دانست سابقه ایجاد دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت به خرداد سال ۱۳۶۶ شمسی بر میگردد که رهبر فقید انقلاب حضرت امام خمینی (ره)، حجت الاسلام علی رازینی را به عنوان حاکم شرع دادگاه ویژه روحانیت و حجت الاسلام علی فالحیان را به عنوان دادستان دادسرای ویژه روحانیت منصوب نمودند. در سال ۱۳۶۶ آئین نامه ای شامل ۵۷ ماده و ۱۰ تبصره که توسط حجت الاسلام محمدی ری شهری تنظیم شده بود، مورد موافقت مقام رهبری قرار گرفت. درواقع تنها ماده قانونی که در مجلس شورای اسلامی راجع به دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت است را ماده ۵۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ دانست که در حقیقت به وظایف این دادگاه پرداخته است: «دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت که براساس دستور ولایت، رهبرکبیر انقلاب امام خمینی (ره) تشکیل گردیده و عهده دار وظایف ذیل می باشد: الف) اقدامات لازم جهت پیشگیری از وقوع تخلفات و جرائم در محدوده مسائل قضائی . ب) ارشاد در امور خالف شأن (ج) رسیدگی به جرائم روحانیون و پروندههایی که به نحو موثری با اهداف این دادسرا مرتبط است» (بهمن یار، خسرو، دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت) بدین ترتیب ملاحظه میگردد که ایجاد تشکیلات قضایی خارج از قوه ی قضاییه، نه تنها برخلاف اصول حقوق عمومی از جمله اصل استقلال قضایی صورت گرفته است. نقض دیگر استقلال قضایی در دادگاه ویژه روحانیت به اصل حاکمیت قانون

قوه ای مستقل و جداگانه تأسیس گردید. به بیان دیگر زمانی عدالت بصورت دلخواه آن اجرا خواهد شد، که در آن قضات و بطور کلی دستگاه قضایی از دیگر دستگاههای حکومتی مستقل باشند. اما مسئله ای که در این بین مطرح است، به نحوه ی تفکیک دستگاه قضایی از دیگر دستگاههای حکومتی است. در گذشته نظر بر این بود که قوای سه گانه باید از یکدیگر به صورت کامل و مطلق جدا باشند تا بتوانند به نحو مطلوبی به ایفای وظایف تخصصی خود بپردازند. ولی به مرور زمان و بر اساس تجربیات بدست آمده این نتیجه حاصل گردید که تفکیک مطلق قوا نه عملی است و نه به مصلحت. بدین خاطر بود که اصطلاح تفکیک انعطاف ناپذیر قوا را به جای تفکیک مطلق قوا برگزیدند؛ بدین توضیح که گاهی به هرکدام از قوای حکومتی وظایف و کارکردهایی سپرده میشود که از نوع کارویژه- های آنها البته نیست؛ اعطای اینگونه اختیارات بایستی به نحو متعادل انجام گیرد تا مانع از جمع شدن اختیارات وسیع در دستان یک بخش از حکومت گردد. علاوه بر این تعادل در این امر، به منظور جلوگیری از سوءاستفاده از این اختیارات لازم است حدود آن از سوی مقام یا نهاد دیگری کنترل شود (راسخ، ۱۳۸۸: ۲۴-۳۳)

۱۱- صلاحیت عام دستگاه قضایی برای رسیدگی به دعاوی و جرایم بر اساس یکی از اصول اساسی استقلال قضایی، رسیدگی به تمامی دعاوی مربوط به احقاق حق و یا رسیدگی به جرایم، میبایست در صلاحیت مراجع دادگستری باشد. در واقع هدف از طرح این مسئله در نظام حقوقی ایران بر میگردد به بند سوم از اصل اول اصول اساسی درباره استقلال قوه قضاییه که یکی از شروط تأمین استقلال قضایی را اینگونه بیان میدارد: «قوه قضاییه دارای صلاحیت عام بر کلیه موضوعات با ماهیت قضایی میباشد...» اما در خصوص رعایت این اصل مهم در قوانین جمهوری اسلامی ایران، میتوان مبحث را با طرح یک پرسش آغاز نمود که آیا دستگاه قضایی در



به شکل نسبی بین جوامع مسیحی و مسلمان و به شکل نسبی بین مناطق مختلف کشور جهت رعایت عدالت در توزیع کرسیها در مناطق مختلف (کریمی، ۱۳۸۱: ۲۰) محاکم مذهبی لبنان در عنوان یک تقسیم بندی کلی در دو عنوان محاکم کلیسایی و دادگاه شریعت مسلمانان تقسیم بندی می شوند برای هر یک از مذاهب کاتولیک و ارتودکس سه دادگاه عمومی بدوی در کل لبنان و یک دادگاه پژوهش خواهی وجود دارد و برای شیعیان و اهل تسنن براساس قانون دادگاه شریعت مسلمانان تشکیل یافته و در آن از قضات روحانی هر یک از مذاهب استفاده شده است این دادگاهها در دو بخش «دادگاه شریعت اهل سنت» و «دادگاه شریعت اهل تشیع» به عنوان محاکم الجعفریه به موجب قانون «تنظیم القضاء الشرعی» مصوب سال ۱۹۶۲ میلادی بخشی از نظام قضایی لبنان به وجود آمدند [۱]. این محاکم به شکل مستقیم به هیأت وزیران مربوط میشود که از طریق بالاترین مقام مذهبی موجود در قوه مجریه پیگیری میشود این مقام به شکل عرفی، مفتی اعظم لبنان است. هریک از رؤسای دادگاههای عالی شرع یک معاون برای اداره امور اداری و مالی محاکم زیرمجموعه خود دارند که با هماهنگی «مجلس القضاء الشرعی الاعلی» امور مربوطه را در قوه مجریه پیگیری می نمایند [۲] شرایط لازم برای انتخاب به عنوان قضات شرع دادگاههای شرع اهل تسنن عبارتند از: لبنانی بودن، حداقل ۲۳ سال و حداکثر ۴۱ سال سن، متمتع از حقوق مدنی و سیاسی، دارای اجازه قضاوت شرعی یا شهادت عالی از دانشگاه لازهر باشد و یا دارای مدرک حقوق از مراکزی که احکام شرعی اسلامی تدریس میکنند، قبولی در امتحانی که «مجلس القضاء الشرعی» برگزار میکند که این مورد مربوط به افرادی است که حداقل دو سال به عنوان دستیار قضایی در دادگاههای شرع لبنان فعالیت داشته اند [۳].

به موجب ماده ۱۷ قانون، مجموع صلاحیتهای موضوعی دادگاههای شرع

بازمیگردد. بدین نحو که احکام دادگاههای ویژه روحانیت باید مستدل و مستند به قوانین موضوعه و موازین شرع باشد. اما در موارد استثنائی و مواردی که در شرع و قانون مجازات مشخصی تعیین نگردیده حاکم می تواند مستدل براساس نظر خود اقدام به صدور حکم نماید. بدین نحو میتوان تشکیل دادگاههای ویژه روحانیت را از موارد مهم نقض استقلال قضایی در ایران دانست که تنها راه حل آن، تشکیلات این دادگاه ویژه میبایست به تصویب قانون رسیده و حدود اختیارات و وظایف آن دقیقاً معین گشته و علاوه بر آن به زیر مجموعه قوه قضاییه تبدیل گردد تا استقلال دستگاه قضایی به نحو مطلوبی تأمین گردد (سلمانی، ۱۳۹۲: ۱۸۷)

این موضوع مختص به ایران نیست بلکه میتوان آن را در کشورهای دیگری مانند لبنان مشاهده نمود که از آن بعنوان دادگاه های شرع یاد می شود لبنان کشوری است متشکل از نوزده جامعه مذهبی. شناسایی رسمی این نوزده جامعه مذهبی در فرمان ۱۵ مارس کمیساریای عالی جمهوری فرانسه برای سوریه و لبنان گنجانده شد. اما با این حال لبنان نه یک صومعه و نه خانقاه، بلکه شهر بیروت شهری است جهانی که عریضگرایی را روزانه تجربه می کند، اما روابط سیاسی اش تحت تأثیر جوامع دینی و مذهبی شکل می گیرد هر فرد لبنانی قبل از اینکه خود را تابع لبنان بداند، متعلق به جامعه مذهبی خاصی می داند که به جهت حقوقی برای ازدواج و طلاق و حتی مرگش به آن نیازمند است. نقش این گروهها و لزوم ایجاد هماهنگی میان آنها در نحوه شکل گیری ساختارهای حکومتی این کشور نیز بسیار موثر و غیرقابل چشم پوشی است. این موضوع حتی خود را در نحوه توزیع مناصب رسمی و حکومتی نیز نشان می دهد. به عنوان نمونه بر اساس ماده ۲۴ قانون اساسی، کرسی های پارلمان بر اساس قواعد خاصی توزیع می شوند: به شکل مساوی بین مسیحیان و مسلمانان،



یک سیستم قضایی کارآمد می‌باشد. به منظور تضمین منابع لازم برای سیستم قضایی و افزایش استقلال بودجه در بعضی از کشورها، قانون اساسی یک حداقل میزان از بودجه دولت را به سیستم قضایی اختصاص داده است. در حالیکه افزایش منابع بودجه به سیستم قضایی بسیاری از کشورها کمک نموده تا عملکرد کلی خود را بهبود بخشند (اسماعیلی، ۱۳۸۷: ۳۰). در جمهوری اسلامی ایران بر طبق اصول قانون اساسی و مواد قانون محاسبات عمومی دولت مسئول تهیه ی بودجه مقرر سالانه می باشد و دولت نیز علاوه بر بودجه ی وزارتخانه ها و سازمانهای وابسته، بودجه سایر مؤسسات عمومی از جمله قوه قضاییه را وصول و پس از هماهنگی لازم و تصویب هیأت وزیران، به صورت لایحه تقدیم مجلس می نماید (هاشمی، ۱۳۸۶: ۲۰۳)، اما این معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی است که وظیفه هماهنگی و جمع بندی بودجه ی سالانه کشور را برعهده دارد (جعفری، ۱۳۸۶) علیرغم تمامی انتقاداتی که به این موضوع وارد است، بازهم در نهایت این قوه ی مجریه است که در مورد نحوه ی تنظیم نهایی و ارقام بودجه تصمیم می گیرد و این مسئله شدیداً استقلال مالی قوه ی قضاییه را تحت تأثیر قرار میدهد (سلمانی، ۱۳۹۲: ۱۹۱).

در کشور لبنان لایحه بودجه قوه قضائیه مشترکاً توسط وزارت دادگستری و شورای عالی قضایی تهیه می شود. (ماده ۳۴ قانون قوه قضائیه لبنان) برخی معتقدند که وزارت دادگستری باید پس از اعلام نظر شورای عالی قضایی، لایحه بودجه را تنظیم کند. بودجه اختصاص داده شده به وزارت دادگستری لبنان برای تضمین عملکرد قوه قضائیه بین ۷ تا ۸ درصد بودجه عمومی دولت است و بودجه قوه قضائیه بخشی از بودجه کلی وزارت دادگستری است. به این ترتیب، وزارت دادگستری این اختیار را دارد که امور مالی مربوط به قوه قضائیه را مدیریت کند. قوه مجریه مسئولیت امور

در ۲۱ موضوع عنوان شده است که عبارتند از: خطبه نکاح، طلاق و جدایی، مهریه و جهاز، نفقه و حضانت از اطفال، نسب، ولایت و وصایت و قیمومیت، بلوغ و اثبات رشد، حجر، مفقودی، اثبات وفات و انحصار وراثت و تعیین سهم الارث، تحریر ترکه و نظارت بر اداره اموال ایتام، وقف و امور مربوط به آن، نصب متولی برای وقف و قیم برای وصی غایب، تنظیم و ثبت سند وصیت و وقف، تنظیم وکالت در امور اختصاصی محاکم شرعی، کلیه معاملات مربوط به وقف و... این دادگاهها از ورود به سایر موضوعات منع شده اند و همچنین رسیدگی به دعاوی افراد خارج از مذهب مربوط به دادگاه نیز ممنوع میباشد. اگرچه تنوع قومی و فرهنگی لبنان دلیل اصلی تشکیل دادگاه های فوق می باشد اما سپردن صلاحیت های ۲۱ گانه به نهادهای خارج نظارت قوه قضائیه به گونه ای خدشه به استقلال این نهاد است در صورتی که همین تنوع قومی و زیستی در کشوری مانند هند وجود دارد ولی ما در آنجا شاهد شکل گیری اینگونه نهاد برای رسیدگی به اختلافات نمی باشیم.

۱-۲ استقلال مالی دستگاه قضا

تأمین شرایط مناسب کار و امکانات مورد نیاز دستگاه قضا، علاوه بر کمک به اقتدار این دستگاه، در تقویت استقلال قضایی نیز تأثیر بسزایی دارد. قوه قضائیه مستقل باید منابع مالی مناسب داشته باشد این منابع اعم از بودجه کافی برای امور جاری و پرداخت حقوق کارکنان قضایی و غیرقضایی، تأمین فضای مناسب و تجهیزات اداری است. میان استقلال قضایی و داشتن منابع مالی مناسب ارتباط تنگاتنگی وجود دارد اگر تأمین بودجه و بویژه قضا به صلاحیت مقامات حکومتی وابسته و در معرض تغییر و کاهش باشد. قضا فاقد استقلال لازم خواهند بود (۲۰۰۷: Bar Association). بودجه قضایی عامل اقتصادی بسیار مهمی برای تضمین



میبایست چه تدابیری را در قوانین اندیشید؟ به طور کلی عوامل زیر میتواند استقلال قضات را تحت تاثیر قرار دهد:

۱- نحوه گزینش قضات

شیوه ی گزینش قضات از آنجاییکه میتواند استقلال قاضی را به شدت تحت تأثیر قرار دهد، بسیار مهم است. اصل ۱۰ از اصول اساسی استقلال قضایی مقرر میدارد: «روش های گزینش قضات باید در برابر انتصابات قضایی برای انگیزه های نامناسب حفظ شود. در گزینش قضات نباید هیچ تبعیضی علیه یک شخص بر اساس نژاد، رنگ، جنس، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر، خاستگاه ملی یا اجتماعی، دارایی، ولادت یا وضعیت اجتماعی وجود داشته باشد. مقرره ای که بر اساس آن داوطلب شغل قضا باید تبعه ی کشور مربوطه باشد، تبعیض آمیز محسوب می شود» [۴] به همین دلیل است که جهت دار کردن نظام آموزش قضایی و همچنین استخدام قضات همراه با اخذ مجموعه ای از تعهدات سیاسی و ایدئولوژیک، که از موثرترین راه های ترویج و تحکیم جریانان فکری و سیاسی خاص در دستگاه قضائی محسوب میگردد، از شیوه های سلب استقلال قضات می باشد. از طرف دیگر انتخاب قضات شایسته و دارای بهترین و شایسته ترین خصایص و اخلاقیات، دارای اعتماد به نفس بالا و پایبند به اعتقادات و اصول اخلاقی بسیار مهم و مورد توجه در تمامی کشورها و سیستم های حقوقی است (سلمانی، ۱۳۹۲: ۱۹۵).

در قوانین جمهوری اسلامی ایران، به موجب بند سوم از اصل ۱۵۸ قانون اساسی، استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها را از وظایف رئیس قوه قضاییه دانسته است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در اصل ۱۶۳ مقرر می دارد: «صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله ی قانون مشخص می شود» طبق "قانون شرایط انتخاب قضات" مصوب ۱۳۶۱ شرایط ذیل برای قاضی لازم دانسته شده است: ۱- مرد

اداری دادگاه ها را بر عهده دارد و شورای عالی قضایی نه اختیار تعیین بودجه قوه قضاییه و نه اداره دادگاه ها را دارد. بنابراین قوه قضاییه از هیچ گونه استقلال مالی و اداری برخوردار نیست (<https://www.cldh-lebanon.org/HumanRights>)

در کشور هند برخلاف ایران و لبنان حقوق و دستمزد قضات نیز عاملی است که باعث مستقل شدن قضات می شود زیرا حقوق و دستمزد آنها ثابت است و مشمول رأی قانونگذار نمی باشد، حقوق قضات دیوان عالی کشور از صندوق تلفیق هند در مورد قضات دادگاه عالی صندوق تلفیقی دولت پرداخت می شود (Singh، ۲۰۰۰: ۲۴۷) براساس اصل ۳۶۰ قانون اساسی هند حق الزحمه آنها را نمی توان به ضرر آنها تغییر داد مگر در صورت بروز مشکلات مالی شدید.

۲- استقلال قاضی

استقلال و بیطرفی قاضی شاید در اولین نگاه دارای معانی مشترکی باشند، اما بطور دقیق تر با یکدیگر تفاوت های آشکاری دارند. استقلال قاضی یعنی اینکه قضات در تصمیم گیری بایستی از تبعیت هر کس، بجز قانون و وجدان خود و انصاف، آزاد باشند، و بدون ترس از هیچ عاملی اعم از فشار افکار عمومی، فشار مقامات سیاسی و منافع حزبی، قانون را عادلانه اعمال، و تنها بر اساس واقعیات پرونده اتخاذ تصمیم نمایند (Debeljak، ۱۹۹۹: ۳۹). از سوی دیگر، بیطرفی قاضی، کاملاً منطبق بر استقلال او نیست. در حقیقت بیطرفی به معنای نبود تمایل در قلب و روان دادرس به سوی یکی از طرف های دعوی یا موضوع اختلاف میباشد (Donahy، ۲۰۰۲: ۳۵). استقلال و بی طرفی قاضی را میتوان از مهمترین شروط تامین استقلال قضایی دانست. اما سوالی که در اینجا باید به آن پاسخ داد این است که چگونه میتوان قضات مستقلی داشت؟ به بیان دیگر برای اینکه یک قاضی بتواند به صورت مستقل عمل نماید



شرکت در آزمون باید: ۱- حداقل ده سال ساکن لبنان باشد. ۲ - برخورداری از حقوق مدنی و محکوم نشدن به جنایت یا جنحه شنیع. ۳- عاری از بیماری ها و ناتوانی هایی باشد که او را از انجام وظیفه باز می دارد. ۴ - داشتن مدرک حقوق (لبنانی). ۵- (مسلط به زبان عربی و یکی از زبان های فرانسوی یا انگلیسی)[۷]. برگزیدگان به پیشنهاد وزیر دادگستری و پس از تصویب شورای عالی قضائیه برای مدت سه سال در اختیار مؤسسه قضایی قرار می گیرند و در صورتی که قاضی کارآموز کارمند باشد، از دستگاه مربوطه به وزارت دادگستری منتقل می شود با همان حقوقی که دریافت می کرد در صورتی که بیشتر از حقوق کارآموز قاضی بود و از تاریخ عضویت در مؤسسه از ترفیع در نظر گرفته شده برای قضات کارآموز بهره مند می شود[۸] قضات کارآموزی که صلاحیت آنها اعلام شده است به پیشنهاد وزیر دادگستری به موجب حکمی از آخرین پایه یا درجه ای که معادل حقوق قاضی منصوب است به عنوان قاضی اصلی منصوب می شوند. قاضی کارآموز در صورت خالی نبودن سمت، تا زمان صدور حکم به وزارت دادگستری و با خالی شدن جایگاه اول بر اساس آیین نامه فراغت از تحصیل به وزارت دادگستری منصوب می شود. قاضی در این مدت علاوه بر حقوق، ماهانه معادل مابه التفاوت حقوق خود و قاضی اصلی به همراه غرامتی که در حقوق قاضی اصلی است، غرامت دریافت می کند. مدت پیشرفت وی به عنوان قاضی اصلی پس از گذشت سه ماه از زمان اعلام صلاحیت بدون صدور حکمی مبنی بر انتصاب وی به عنوان قاضی اصلی آغاز می شود، در صورتی که قضات کارآموز به عنوان قاضی اصلی منصوب شوند وزارت دادگستری تا زمانی که به طور مقتضی به مناصب قضات قضایی ملحق شوند.[۹] در مؤسسه مطالعات قضائی یک گروه حقوق عمومی ایجاد شده است. وزیر دادگستری در صورت لزوم و پس از مشورت با دفتر مجلس شورای دولتی، تعداد قضات کارآموز را در

بودن. ۲-ایمان و عدالت و تعهد عملی نسبت به موازین اسلامی و وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران. ۳- طهارت مولد. ۴- تابعیت ایران و انجام خدمت وظیفه یا دارا بودن معافیت ۵- صحت مزاج و توانایی انجام کار و عدم اعتیاد به مواد مخدر. ۶- دارا بودن اجتهاد یا اجازه ی قضا به کسانی که دارای لیسانس قضایی یا لیسانس الهیات رشته ی فقه و حقوق یا لیسانس دانشکده ی علوم قضایی و اداری وابسته به دادگستری یا مدرک قضایی از مدرسه ی عالی قضایی قم هستند و یا طلابی که سطح را تمام کرده و دو سال خارج فقه و قضا را با امتحان و تصدیق جامعه ی مدرسین دیده باشند(عبدالحمید، ۱۳۵۰: ۱۴) از میان شرایط مذکور، سه مورد اول طبق موازین بین المللی و حقوق بشری(از جمله ماده ۱ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و اصل ۱۰ از اصول اساسی استقلال قضایی)، خلاف قواعد حقوق بشری و مخالف با اصل منع تبعیض می باشند(مهرپور، ۱۳۹۱: ۳۵۸). البته در خصوص اولین شرط از شرایط انتخاب قضات، میتوان گفت با تصویب ماده واحده ی قانون اصلاحی ۱۳۷۴/۰۱/۲۹ که تبصره ی قانون شرایط انتخاب قضات را اصلاح نموده است، این تبعیض در قانون تا اندازه ای مرتفع گردیده است؛ اما همچنان تبعیض جنسیتی میان زنان و مردان در خصوص مابقی مناصب قضایی باقیست که این موضوع برخلاف اصل برابری زنان و مردان در مقابل قانون و همچنین در تصدی مناصب دولتی است(رحمتی فر، ۱۳۸۷: ۱۰۲).

در کشور لبنان وزیر دادگستری در صورت لزوم و پس از مشورت با شورای عالی قضایی، تعداد قضات کارآموزی را که قرار است منصوب شوند، تعیین و از شورای عالی قضایی تقاضای برگزاری امتحان به این منظور خواهد کرد[۵] شورای عالی قضائی امتحان ورود به مؤسسه را با تعیین رشته های برگزار شده و معدل قبولی، در ابتدای هر آزمون از بین قضاتی که برای این منظور انتخاب می کند، تعیین می کند[۶] هر داوطلب برای



قضاتی را که فقط دو نفر از ده قضاات انتخاب می شوند تعیین کرده است. این اصلحیه به دلیل محدودیت تعداد اعضای منتخب شورا و همچنین به دلیل اینکه فقط به روسای اتاق های دیوان عالی کشور اجازه می دهد برای این دو کرسی کاندیداتوری شوند و تنها به اعضای دیوان عالی کشور اجازه می دهد تا برای این دو کرسی شرکت کنند مورد انتقاد قرار گرفته است. این دو عضو را انتخاب کنید. از این رو، اصلاحات سال ۲۰۰۱ در قانون قوه قضائیه برای تضمین اصلاحات اساسی که برای حفظ استقلال قوه قضائیه لازم بود کافی نبود <https://maharatfoundation.org> با توجه به ماهیت مذهبی نظام سیاسی لبنان، ترکیب شورای عالی قضایی بر اساس برابری مسلمانان و مسیحیان، عضویت آن را در برابر فشارهای خارجی، از جمله فشار برای انتصاب قضاات نزدیک یا وابسته به گروه های مذهبی خاص، آسیب پذیر می کند. پست های مهم، بدون بررسی صلاحیت ها و شایستگی های آنها به افراد مذهبی اعطا می گردد از مهمترین صلاحیت شورای عالی قضایی مدیریت نقل و انتقالات، ترفیعات و مأموریت های قایبی فردی یا جمعی است. و برای تصویب به وزیر دادگستری ارائه شود. که بدون شک ترکیب فعلی اعضای آن و دخالت قوه مجریه بر روند صلاحیت های فوق تاثیر خواهد گذاشت و استقلال قضایی لبنان را با مشکل جدی روبرو خواهد کرد

در کشور هند هر قاضی دیوان عالی پس از مشورت با رئیس دادگستری هند، فرماندار ایالت، و در صورت انتصاب قاضی غیر از رئیس قاضی، توسط رئیس جمهور با حکم و مهر وی منصوب می شود. شخصی برای انتصاب به عنوان قاضی دادگاه عالی در صورتی واجد شرایط است که شهروند هند باشد و حداقل به مدت ده سال در قلمرو هند منصب قضایی داشته باشد. یا حداقل ده سال سابقه فعالیت دادگستری در دادگاه عالی یا دو یا چند

این اداره تعیین می کند تا پس از فارغ التحصیلی، مشاوران دستیار مجلس شورای دولتی شوند. در امور مربوط به قضاات درجه اداری، دفتر مجلس شورای دولتی جایگزین شورای عالی قضایی می شود. در هیئت مدیره مؤسسه، رئیس مجلس شورای دولتی جایگزین رئیس شورای عالی قضایی می شود و دو قاضی از مجلس شورای دولتی جایگزین دو قاضی قضایی عضو می شوند [۱۰]

اما از موانع استقلال در سیستم گزینش قضاات لبنانی این می باشد که مؤسسه مطالعات قضایی مستقل نیست و از دخالت و نفوذ سیاسی برخوردار است. همچنین از کمبود منابع مادی، مالی و انسانی رنج می برد و برنامه هایی را با کارایی کم تهیه می کند (<https://maharatfoundation.org>) چندین قاضی که در روند تدوین برنامه اقدام مورد مشورت قرار گرفته اند، خواستار اصلاح برخی از جنبه های آموزش پایه قضاات از نظر شکل و محتوا و ایجاد یک سیستم آموزش حقوقی مستمر شده اند. این امر مستلزم اصلاح روش گزینش داوطلبان و به روز رسانی نصاب درسی است تا کار مؤسسه مطالعات قضایی مؤثرتر شود دو هدف اصلی اصلاح مؤسسه مطالعات قضایی بهبود روند انتخاب قضاات، از طریق مستقل و عاری از نفوذ سیاسی، و تضمین آموزش مداوم و صلاحیت برای قضاات لبنانی واجد شرایط است (<https://www.cldh-lebanon.org/HumanRights>). یکی دیگر از موانع استقلال قضایی در قوه قضائیه لبنان ترکیب شورای عالی قضایی است، ترکیب فعلی شورای عالی قضایی نتیجه اصلاح قانون قوه قضائیه در سال ۲۰۰۱ است که اصل مورد توافق در موافقتنامه طائف ۱۹۸۹ را در مورد انتخاب مستقیم "تعدادی" از اعضای شورا از بین قضاات تصویب کرد. از آنجایی که موافقتنامه طائف در ابتدا تعداد قضاات منتخب را مشخص نکرده بود، قوه مجریه عمدا دامنه این اصلاحات را محدود کرده و تعداد



در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به موجب اصل ۱۶۴ قانون اساسی، محل خدمت یا سمت قاضی را بدون رضایتش نمیتوان تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضاییه پس از مشورت با رئیس دیوانعالی کشور و دادستان کل. درحقیقت این استثناء، استقلال اولیه قاضی را به خطر انداخته است. بنابراین غیرممکن نخواهد بود اگر قاضی در مقام رسیدگی به یک مورد برخلاف نظر رئیس دستگاه قضایی عمل نماید و همین امر موجب گردد با استفاده از قسمت اخیر اصل ۱۶۴ موحبات انتقال و در نتیجه عدم امکان رسیدگی و صدور حکم نسبت به پرونده ی مورد نظر فراهم گردد(نطنزی، ۲۰۷) و یا حداقل تنبیه ی در جهت عدم اطاعت از نظر و خواست مقامات قضایی باشد. البته ناگفته نماند که برخی از حقوقدانان، عدم نقل و انتقال قضات به صورت مطلق حتی مغایر با مصالح عمومی دادگستری دانسته اند. گاهی قضات علاقه ی مخصوص به ماندن در یک محل را دارند و غالباً از طول مدت خدمت در محلی خاص، مفاسدی حاصل میگردد که با طبع کار قضایی سازگار نبوده و ممکن است منفعت عمومی را به خطر بیاندازد(مدنی، ۱۳۰)

اگرچه در کشور هند، قضات دیوان عالی کشور و دادگاه های عالی دارای امنیت تصدی [۱۲] هستند و تا رسیدن به سن بازنشستگی در سمت خود باقی می مانند که برای قضات دیوان عالی کشور ۶۵ سال و برای قضات دیوان عالی ۶۲ سال است [۱۳]. اما بعضاً دخالت های سیاسی و خودکامگی اجرایی، استقلال قوه قضائیه در هند را به خطر می اندازد. در یک سیستم دموکراتیک، قوه قضائیه به عنوان کنترل کننده اختیارات قوه مجریه و مقننه عمل می کند و حاکمیت قانون را تضمین می کند و از حقوق فردی حمایت می کند. با این حال، زمانی که بازیگران سیاسی تلاش می کنند تا بر قوه قضائیه تأثیر بگذارند، توانایی این نهاد برای عمل مستقل و بی طرف را به خطر می اندازد. مداخله سیاسی می تواند به اشکال مختلف، از جمله

دادگاه از این قبیل بوده است. هر دوره پس از تصدی هر سمت قضایی که در طی آن شخص وکیل دادگاه عالی بوده یا منصب یکی از اعضای یک دادگاه یا هر پستی را در اتحادیه یا یک ایالت که مستلزم دانش ویژه حقوقی است، داشته است [۱۱]. دیوان عالی و دادگاه های عالی نهادهای عادی نیستند. قانون اساسی وظیفه خاصی برای آنها قائل شده است. این بسیار مهم است که فقط افرادی با بالاترین کیفیت تحصیلی، آموزشی و شخصیتی برای انتصاب در این دادگاه ها انتخاب شوند. بنابراین باید تمام تلاش ها برای کشف بهترین استعداد های قضایی به عنوان قضات این دادگاه ها صورت گیرد هیچ مکانیزمی برای بررسی شایستگی نامزدهایی که واجد شرایط نامزدی در دیوان عالی و دادگاه های عالی هستند وجود ندارد. روسای دادگستری هند، شورای وکلای هند و رئیس دادگاه های عالی مختلف باید به طور جمعی در مورد این موضوع بحث کنند و از دولت بخواهند که یک دستگاه قانون اساسی مستقل ایجاد کند تا شایستگی افرادی را که برای انتصاب این دادگاه ها واجد شرایط هستند، بررسی کند (Vaishali، ۲۰۲۲: ۲)

۲-۲: استقلال در برابر مقامات مذهبی و نهادهای سیاسی
برای داشتن قضات مستقل، همانطور که قبلاً نیز بیان شد، شرایطی لازم است؛ یکی از این شرایط مستقل بودن قاضی در برابر هر فردی است، خواه این افراد از مقامات قوه قضائیه باشند و یا از مقامات قوای دیگر باشد. در حقیقت اهمیت استقلال در تصمیم گیری و صدور رأی برای قضات به قدری است که برخی استقلال قضایی را مترادف با آزادی قاضی برای اعمال قانون در دعاوی که نزد ایشان مطرح میگردد، این آزادی نه به معنای اعمال سلیقه ای قانون، بلکه به منزله ی دیوار محکمی است که از نفوذ و تأثیر ناروای مقامات قضایی در تصمیم دادرسان جلوگیری کرده و تنها قانون را حاکم بر دعوی می داند (سلمانی، ۱۳۹۲: ۱۹۹).



۲۰۱۹ و پیش از آن در سال ۲۰۰۶ نشان می‌دهد که فشار و دخالت‌های سیاسی تا چه حد کار قوه قضائیه به‌ویژه شورای عالی قضایی را تضعیف می‌کند. رئیس‌جمهور از سال ۲۰۰۶ از امضای فرمان چرخش قضایی که به اتفاق آرا به تصویب شورای عالی قضایی و امضای نخست‌وزیر و وزیر دادگستری رسیده است، خودداری کرده است توزیع مناصب ارشد قضایی براساس گرایش‌های مذهبی انجام می‌شود. در واقع، رئیس دادگاه تجدیدنظر که ریاست شورای عالی قضایی را نیز بر عهده دارد، یک مسیحی مارونی است و مدعی‌العموم در دادگاه تجدیدنظر، که نایب رئیس شورای عالی قضایی نیز هست، یک مسلمان اهل سنت است. در مورد رؤسای اول دادگاه‌های تجدیدنظر و مدعی‌العموم، آنها بر اساس اقرار توزیع می‌شوند. این وضعیت به مداخله منجر می‌شود، زیرا مقامات سیاسی و مذهبی سعی می‌کنند انتصاب قضات از یک گروه مذهبی مشابه را در مناصب خاصی تحمیل کنند. این امر موجب دخالت در کار قوه قضائیه و نقض اصل تفکیک قوا می‌شود. وابستگی‌های اعتقادی و مذهبی مبنایی برای تأثیرگذاری بر قضات، به ویژه از طریق نحوه انتصاب آنها است، زیرا رهبر هر مذهب تعادل مذهبی را دلیلی برای دخالت در تعیین قضات قرار می‌دهد. این وضعیت با این واقعیت تشدید می‌شود که ملاحظات مذهبی با ملاحظات سیاسی ارتباط تنگاتنگی دارد. اگرچه وابستگی مذهبی لزوماً به معنای تعصب قضات نسبت به اصحاب دعوا نیست، اما این وضعیت بر قوه قضائیه تأثیر منفی می‌گذارد (یوسف داود و وهیب منصور، ۲۰۱۰: ۴۹). فساد سیاسی قوه قضائیه لبنان را مجبور می‌کند تا از صلاحیت‌ها و مسئولیت‌های خود در موارد عمده‌ای مانند غنی‌سازی غیرقانونی، پاسخگویی وزراء، حفاظت از محیط‌زیست، مواد غذایی و دارویی تاریخ مصرف گذشته یا زباله‌های سمی صرف‌نظر کند. آخرین نمونه آن حادثه انفجار بندر بیروت است. در بسیاری از موارد مشابه، پیگرد قانونی صورت

تلاش برای تأثیرگذاری بر انتصابات قضایی، فشار بر قضات برای صدور احکام مساعد، یا انتقام از تصمیماتی که برای منافع دولت تلقی می‌شود، آشکار شود. استبداد اجرایی که با تمرکز قدرت در قوه مجریه مشخص می‌شود، خطر دخالت سیاسی در قوه قضائیه را بیشتر تشدید می‌کند هنگامی که قوه مجریه قدرت و کنترل بیش از حد بر انتصابات قضایی، تخصیص بودجه یا اقدامات انضباطی علیه قضات داشته باشد، استقلال قوه قضائیه را تضعیف می‌کند و اعتماد عمومی را به سیستم قضایی از بین می‌برد برای کاهش این خطرات، رعایت اصول استقلال قضایی، تقویت پادمان‌های نهادی، و تضمین پاسخگویی و شفافیت در عملکرد قوه قضائیه و مجریه ضروری است. این شامل اصلاحاتی برای افزایش استقلال قوه قضائیه، ساده کردن روند انتصابات قضایی و محافظت از قضات در برابر فشارها یا تأثیرات خارجی است. علاوه، پرورش فرهنگ احترام به حاکمیت قانون و استقلال قضایی در میان تمامی شاخه‌های حکومت برای حفظ یکپارچگی قوه قضائیه و حمایت از اصول دموکراتیک مندرج در قانون اساسی هند ضروری است (Singh، ۲۰۰۰: ۲۵۰).

اندیشمندان لبنانی بر این باور هستند که تضمین استقلال مراجع قضایی کافی نیست، علاوه بر آن، اعطای تضمینی به قضات که امکان برخورداری از استقلال بیرونی در مقابل مقامات سیاسی و مذهبی و استقلال داخلی در مقابل خود این نهادها را فراهم می‌کند، ضروری است دخالت بازیگران سیاسی در عملکرد دادگاه‌های لبنان متوقف نشده است. بر اساس اظهارات یکی از رئیس‌های سابق شورای عالی قضایی در یکی از جلسات مشورتی: «استقلال قوه قضائیه در لبنان یک توهم است» (<https://legal-agenda.com>) با توجه به نقش مهمی که این شورا در سیستم قضایی لبنان ایفا می‌کند، دخالت مقامات اجرایی در کار شورای عالی قضایی قابل توجه است. بحران ناشی از عدم صدور فرمان چرخش قضایی در سال



به عنوان نماینده ی افکار عمومی و در برخی پرونده های کیفری خاص و همکاری با قضات حرفه ای در امر قضاوت دعوت می شوند (هاشمی، ۴۷۵) برخی معتقدند حضور هیأت منصفه به معنای دخالت افکار عمومی و رأی و نظر مردم در مورد آن دسته از دعاوی که این شرط برای آنها لازم دانسته شده است، میباشد و آن را مانعی در برابر استقلال قاضی در برابر افکار و نظر عموم مردم دانسته اند و مفسدیتی چون صدور آراء غیر عادلانه و تحت تأثیر قرار گرفتن قاضی را برای آن برشمرده اند. (پیوندی، ۱۳۷۷: ۷۹)

در کشور لبنان قوه قضائیه، از جمله قضات فردی، در رابطه با احکام و تصمیمات خاصی که گرفته اند، مورد انتقاد قرار گرفته اند. مقامات دادستانی نسبت به کسانی که چنین انتقاداتی را اعم از افراد یا سازمان های رسانه ای انجام داده اند، اغلب به اتهامات مربوط به تضعیف حیثیت قوه قضائیه اقدامات قانونی انجام داده اند روشن شده است که رسانه های لبنانی بر عهده گرفته اند که قوه قضائیه را مسئول تمام شکست هایش بدانند. با این حال، در بسیاری از موارد، اصل محرمانه بودن تحقیقات، به ویژه در پرونده های کیفری که بازتاب زیادی در رسانه ها داشت، نقض شد. چنین تخلفاتی اغلب بدون مجازات هستند- (<https://www.cldh.org/lebanon.org/HumanRightsBrie>)

در کشور هند اعتقاد بر این است که افکار عمومی و نظارت رسانه ای در شکل دهی به استقلال قوه قضائیه، به ویژه در پرونده ها و جنجال های پرمخاطب تأثیر بسیار زیادی دارد بگونه ای که نظارت رسانه ای و اعتماد عمومی به قوه قضائیه بر توانایی آن برای بی طرف ماندن وعاری از فشارهای خارجی تأثیر دارد بعبارتی اعتماد و اطمینان عمومیان قدرت اخلاقی قوه قضائیه محافظت می کند و کانون اصلی تشخیص هدف قوه قضائیه در محافظت از قضاوت خود در برابر پوپولیسم و حفظ استحکامات نهادی است (Kothari, ۲۰۲۴: ۶۹۳۶) در مجموع در کشور هند برخلاف

نگرفت و جنایات و رسوایی های بزرگی که افکار عمومی لبنان را تکان داد، محاکمه نشد (<https://www.cldh.org/lebanon.org/HumanRights>)

۲-۳: استقلال در برابر افکار عمومی و رسانه ها

استقلال قضات بایستی به اندازه ای باشد که در برابر هر مسئله ای که مخالف قوانین و مقررات و همچنین انصاف و عدالت است، حتی اگر از سوی افکار عمومی نیز باشد، مقاومت نموده و از مسیر خود خارج نشود تأمین این نوع استقلال، با آزادی دادرسی از فشارهای بیرونی نیز مهیا میگردد؛ یعنی منبع التزام دادرسی در رسیدگی هایش، تنها قانون است (سلمانی، ۱۳۹۲: ۲۰۲). بر اساس اصل اول از اصول بنگلور در خصوص رفتار قضایی، «قاضی باید... از تأثیرات، عوامل، فشارها، تهدیدات یا مداخلت مستقیم یا غیر مستقیم بیرونی، از هر منبع یا به هر دلیلی که هستند، فارغ و رها باشد. همچنین قاضی باید در رابطه با جامعه به طور کلی و در رابطه با طرفین خاص درگیر در منازعه ای که بدان رسیدگی میکند، استقلال داشته باشد.» بدیهی است این استقلال شامل همه ی گروهها و افراد جامعه میباشد که در حقیقت رسانه ها و افکار عمومی در صدر آن قرار میگیرند. درواقع افکار عمومی تا زمانی که به شکل و قالب قانون در نیامده اند، نباید در سرنوشت رأی اثر گذارد. میتوان گفت افکار عمومی زمانی علیه استقلال قاضی تهدید به شمار می آیند که قاضی را وادار کنند به فراتر از تفسیر مقررات بیندیشد، مقررات را نادیده انگارد و آزادی تصمیم گیری اش به محدودیت در آن تبدیل شود (Stevens, ۱۹۹۹: ۳۷۶) در نظام حقوقی ایران در واقع یکی از تأثیراتی که افکار عمومی ممکن است بر رسیدگی های قضایی داشته باشد حضور هیأت منصفه در برخی دادرسیها میباشد. هیأت منصفه مجموعه افرادی است که با داشتن شرایط اخلاقی و توانایی های خاص،



از اصول اساسی استقلال قضایی: « بر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر، قضات همچون دیگر شهروندان از حق آزادی بیان و عقیده، انجمن و تجمع برخوردارند مشروط بر اینکه در اعمال چنین حقوقی به شیوه ای رفتار نمایند که شأن شغلی، بیطرفی و استقلال شان محفوظ بماند.»

درحقیقت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد عدم دخالت قضات در سیاست سکوت کرده است؛ اما چون بالاترین مقام قوه ی قضاییه وظیفه ی تعیین و نصب و انتخاب قضات مستقل را برعهده دارد، طبق اصل ۱۵۸ دارای وظایف مشخص و معینی است که این وظایف با امور سیاسی منافات دارد و قضات نیز جدای از سیاستهای دولت و قوه ی مجریه صرفا به دادرسی و حل و فصل اختلافات مبادرت می نمایند و همچنین با توجه به اصل ۱۴۱ قانون اساسی و تفسیر آن، یعنی ممنوع بودن قاضی از تصدی همزمان قضاوت و نمایندگی مجلس شورای اسلامی (که یک شغل سیاسی است و بر اساس روح قانون اساسی و سابقه ی وجود مسئله ی عدم دخالت قضات در سیاست، میتوان نتیجه گرفت که حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر این امر صحه گذاشته است) سهرابی (چهارزی، ۱۱۷). لایحه ماده قانونی اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات مصوب ۱۳۳۳/۱۱/۱۴ نیز دو محدودیت را برای قاضی در جهت حفظ استقلال و بی طرفی قائل شده است: ۱- ممنوعیت شرکت در احزاب سیاسی و جمعیت های وابسته به آنها. ماده فوق مقرر داشته است به منظور حفظ بی طرفی کامل و رعایت احترام و شئون قضایی عضویت متصدیان مشاغل قضایی در احزاب و جمعیت های سیاسی وابسته به آنها ممنوع است. ۲- ممنوعیت انتشار مجله سیاسی و حزبی. بنابراین هرگونه تبلیغات حزبی و انتشار روزنامه یا مجله سیاسی و حزبی برای قضات ممنوع است (متین دفتری، ۱۳۴۰). در کشور لبنان نیز قضات از شرکت در احزاب سیاسی منع شده اند [۱۴]

ایران و لبنان نسبت به رسانه ها و افکار عمومی نگاه مثبتی وجود دارد و کمتر اقدامات آن دو نهاد را بعنوان دخالت در استقلال قوه قضاییه هند می دانند.

۳- بی طرفی قاضی

مسئله ی رعایت بیطرفی قاضی در قوانین بسیاری از کشورها مورد شناسایی قرار گرفته است. به همین دلیل است که هریک از قضات درابتدا و قبل از شروع کار خود سوگند یاد میکند که با درستکاری و بیطرفی کامل در مورد دعای مطرح شده نزد او به قضاوت بنشیند (سلمانی، ۱۳۹۲: ۲۰۶). در قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز بیطرفی قاضی همواره مورد توجه بوده است. به عنوان مثال، ماده ۳۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری تصریح دارد: « دادرسان و قضات تحقیق باید در نهایت بیطرفی تحقیقات را انجام داده...» در ادامه به یکی از مسائلی که در بیطرفی قاضی مؤثر بوده و به نوعی استقلال قضایی در ایران را به چالش کشیده است را بررسی نموده :

۳-۱: عدم دخالت قاضی در سیاست

علاوه بر فشارها و تهدیداتی که ممکن است توسط گروههای ذینفوذ جامعه بر قاضی و روند دادرسی اعمال گردد، قضات ممکن است تحت فشار و تهدیداتی ظریفتر و به مراتب خطرناکتر قرار داشته و آن هم مربوط به افکار تمایلات عقیدتی و ایدئولوژیهای خود است. بدین ترتیب قاضی بایستی در رسیدگیها به افکار و عقاید خود توجهی ننموده و صرفا بر اساس قوانین موضوعه به قضاوت بنشیند و با این عمل بیطرفی خود را به خصوص در پروندههای سیاسی همواره حفظ نماید (رسول، ۱۳۸۹: ۵). این مسئله بدین دلیل میباشد که قاضی نبایستی به ابزاری برای تحقق اهداف سیاسی دیگران تبدیل شود. البته منع قضات از دخالت در امور سیاسی به معنای نادیده گرفتن تمامی حقوق سیاسی آنها نیست؛ درواقع بر اساس اصل ۸



مذهب مشاهده نمی گردد دومین مسئله استقلال مالی دستگاه قضاست که در ایران نهایتاً این معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی است که وظیفه هماهنگی و جمع بندی بودجه ی سالانه کشور را برعهده دارد و در کشور لبنان لایحه بودجه قوه قضائیه مشترکاً توسط وزارت دادگستری و شورای عالی قضایی تهیه می شود، در این دو کشور آشکارا دخالت قوای مقننه و مجریه در تدوین بودجه دستگاه قضا دیده می شود، موضوعی که به شدت بر استقلال نهادی قوه قضائیه تاثیر می گذارد اما در کشور هند اوضاع متفاوت است و حقوق قضات دیوان عالی کشور از صندوق تلفیق هند در مورد قضات دادگاه عالی صندوق تلفیقی دولت پرداخت می شود و مشمول حکم قانون گذار نمی شود که به سمت استقلال قضایی بیش از پیش برده می شود در مبحث استقلال قاضی نقل و انتقال و عزل و نصب قضات بایستی بر اساس نظر و خواست خود قضات و همچنین ضوابط معین و به موجب قانون مصوب در یک فرآیند دموکراتیک، صورت گیرد، اتفاقی که صرفاً براساس نظر رئیس قوه قضائیه صورت می گیرد این موضوع در کشور لبنان نیز مبتلا به می باشد و همه عزل و نصب ها با هماهنگی وزیر دادگستری صورت می گیرد موضوعی که تسلط قوه مجریه را بر مناصب قضایی به خوبی نشان می دهد. اما آنچه در مبحث استقلال قاضی در هر سه کشور مشترک می باشد دخالت مقامات مذهبی و نهادهای سیاسی، فشار افکار عمومی و رسانه ها در استقلال قوه قضائیه است و در پایان در موضوع بی طرفی قاضی آنچه حائز اهمیت می باشد عدم دخالت قاضی در سیاست است که تقریباً در هر سه کشور این منع قانونی وجود دارد اما در کشور هند این منع موسع تر شده است و شامل شرکت های تجاری نیز می باشد.

در پایان به نظر می رسد استقلال دستگاه قضا در حمایت از حق ها و آزادی های شهروندی در کشور هند مسیر هموارتری را نسبت به سایر

در کشور هند تاکید بر این است که، بی طرفی و عاری از فشارهای نامربوط باید برای قضات در تمام جنبه های قضاوت تضمین شود. قضات باید بی طرف باشند و در نتیجه نباید عضو قوه مجریه یا مقننه یا احزاب سیاسی یا تشکل های تجاری باشند و در فعالیت های سیاسی شرکت نکنند. به همین ترتیب قاضی باید از قبل تعیین شده باشد. قضات نیز باید منصفانه مشکلات جامعه را منعکس کنند. آنها باید به سایر قوای حکومت احترام بگذارند و از تصمیم گیری در مورد مسائلی که کاملاً در حوزه انحصاری قوه مقننه یا مجریه است، خودداری کنند. با این حال، تردید وجود دارد که آیا قضات باید به دکترین مسائل سیاسی برای ممانعت از دسترسی به دادگاه ها، به ویژه در موضوعات حقوق اساسی، متوسل شوند(۱۰. Shetreet).

نتیجه گیری:

در نهایت میتوان گفت استقلال قضایی در مقررات جمهوری اسلامی ایران، هند و لبنان، هم در قانون اساسی و هم در دیگر قوانین تاحدی شناسایی گردیده است، ولی کاستیهایی نیز در برخی موارد مشاهده میگردد. از طرف دیگر در مرحله ی عمل یا به معنای دیگر اجرای قوانین تصویب شده نیز برخی از جنبه های مذکور در قوانین نادیده گرفته شده و منظور قانونگذار محقق نمیگردد. در جمهوری اسلامی ایران مقررات در بعد استقلال تشکیلاتی، (بغیر از موارد نقضی که در متن به آنها اشاره گردید تاحدی مورد قبول است ولی در مبحث استقلال و بیطرفی قضات متأسفانه قوانین جامع و مانعی وضع نگردیده و عمل نمودن به این مقررات نیز بر مشکلات افزون گردیده است. اولین مسئله در بعد استقلال تشکیلاتی صلاحیت عام مراجع قضایی برای رسیدگی به کلیه دعاوی و جرایم می باشد موضوعی که در نظام حقوقی ایران و لبنان با وجود دادگاه های نظامی و دادگاه های شرعی به بی راهه رفته است اتفاقی که در هند با وجود هزار فرهنگ و



[۵] ماده ۵۹ قانون قوه قضاییه لبنان

[۶] ماده ۶۰ قانون قوه قضاییه لبنان

[۷] ماده ۶۱ قانون قوه قضاییه لبنان

[۸] ماده ۶۴ قوه قضاییه لبنان

[۹] ماده ۷۱ قانون قوه قضاییه لبنان

[۱۰] ماده ۷۶ قانون قوه قضاییه لبنان

[۱۱] اصل ۳۶۰ قانون اساسی هند

[۱۲] the security of tenure

[۱۳] اصل ۲۳۵ قانون اساسی هند

[۱۴] ماده ۸۰ قانون قوه قضاییه لبنان

کشورهای مورد بحث می پیماید که می تواند الگوی مناسبی برای کشورهای مانند ایران و لبنان باشد.

[۱] ماده ۱ قانون تنظیم القضاء الشرعی

[۲] ماده ۴۴۷ قانون تنظیم القضاء الشرعی

[۳] ماده ۴۴۸ قانون تنظیم القضاء الشرعی

[۴] Basic Principles of The Independence of The
Judiciary



منابع

ارشد حقوق بشر، به راهنمایی اردشیر امیر ارجمند، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق.

سهرابی چهارزی، مریم (۱۳۸۴). بررسی تطبیقی استقلال قضات در حقوق ایران و انگلستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی اردشیر امیر ارجمند، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق.

کریمی، ابراهیم (۱۳۸۱). مطالعه تطبیقی بازداشت موقت در نظام کیفری ایران و لبنان، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی محمودآخوندی اصل، دانشگاه قم.

نطنزی، محمود، بررسی حدود اختیارات و عملکرد ریاست قوه قضاییه در جمهوری اسلامی ایران، پایان- نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، پردیس قم
منابع انگلیسی:

Arora, Sh. (۲۰۲۱). Independence of Judiciary in India. International Journal of Law Management & Humanities

Bader Ginsburg, R. (۲۰۱۱). Judicial Independence: The Situation of the U.S. Federal Judiciary. ۸۵ Neb. L. Rev Available at: <http://digitalcommons.unl.edu/nlr/vol85/iss1/2>

Chalhoub. E. (۲۰۰۷). Promoting the Rule of Law and Integrity in the Arab World Project. Report on the State of the Judiciary in Lebanon

Draft National Action plan to promote the independence of the judiciary in Lebanon. Available at: <https://www.cldh-lebanon.org/HumanRights>

Hon'ble, (۲۰۱۰). Judicial Independence: Is It Threatened First S. Govind Swaminadhan Memorial Lecture at the Madras High Court Bar in Chennai. Available at <https://www.tnsja.tn.gov.in/article/Judicial>

Kothari, A. (۲۰۲۴). Critical Analysis of the Independence of

کتاب ها:

راسخ، محمد (۱۳۸۸)، نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی، چاپ نخست، تهران: انتشارات دراک.

مدنی، جلال الدین، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.

مهرپور، حسین (۱۳۹۱)، مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ سوم، تهران: نشر دادگستر.

هاشمی، سید محمد (۱۳۸۶)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم حاکمیت و نهادهای سیاسی، چاپ ۱۹، تهران: نشر میزان.

متین دفتری، احمد (۱۳۳۴)، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد دوم، حکم و طرق شکایت از حکم، تهران.
مقالات:

ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۵۰). قدرت عمومی و مستخدم دولت، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

آرامش، رسول (۱۳۸۹). عوامل تهدیدکننده استقلال قاضی، مجله ی دادنامه، شماره ۴.

بهمنی، اسماعیل (۱۳۸۷). استقلال قضایی از منظر اسناد بین المللی با نگاه به حقوق داخلی، قسمت دوم.

رسول، رییس جعفری (۱۳۸۶). خداحافظ مدیریت، خداحافظ برنامه ریزی، نشریه علوم انسانی، شماره ۱۸۹.

سلمانی سببانی، مرضیه (۱۳۹۶). مطالعه استقلال قضایی در ایران با نگاهی به نظام قضایی ایالات متحده آمریکا، فصلنامه جستارهای حقوق عمومی، سال اول، شماره دوم.

پایان نامه:

حمتی فر، سمانه (۱۳۸۷). به زمامداری و دستگاه قضایی، پایان نامه کارشناسی



<https://ssrn.com/abstract=۱۵۵۸۹۷۹>

or

the

Judiciary.Available

at

<http://dx.doi.org/۱۰.۲۱۳۹/ssrn.۱۵۵۸۹۷۹>

<https://doi.org/۱۰.۵۵۲۴۸/gengpi.۵.۰۳۲۴.۰۸۸۷>

The challenging path of reforms in Lebanon and The persist fight for judicial independence.Available at

Principles on Judicial Independence and Fair and Impartial Courts», American Bar Association, August ۲۰۰۷,۱۱۰.D. at

[/https://maharatfoundation.org](https://maharatfoundation.org)

www.abanet.org/leadership/۲۰۰۷/annual

:Yadav,V.(۲۰۲۲).Independence of judiciary..Available at

docs/hunderdtend.doc/

[/https://supremoamicus.org](https://supremoamicus.org)

Shetreet, Judicial Independence, supra note ۱۰, at ۶۳۶

منابع عربی:

supporting the noninvolvement of the courts in the)

المرسوم الشتراعی رقم ۱۵۰تاریخ ۱۶ ايلول سنة ۱۹۸۳تنظیم القضاء العدلی

political questions). But see BARENDT, supra note ۷, at ۱۴۷

ملاحظات حول رأى لجنة البندقیة: کیف تسهم قوانین استقلالیة القضاء فی

asserting a more active role for courts in deciding political)

تحقیق الهدف الدستورى [/https://legal-agenda.com](https://legal-agenda.com)

.(questions

یوسف داود و وهیب منصور، استقلال النظام القضائى فی لبنان وحياده،

Singh.M.P.(۲۰۱۰) Securing The independence of the

قوق الطبع و النشر ۲۰۰۹ محفوظة للشبكة الأورو – متوسطة لحقوق الإنسان

judiciary The Indian Experience. Vaidya, Nidhi and

قانون تنظيم القضاء الشرعى

Raghuvanshi, Raghvendra Singh, Independence of

Judiciary – An Indian Experience.Availableat SSRN